

# علی پاینده و گروه کوهنوردی کاوه

سعید انوری نژاد



جمعه ۲۷ خردادماه ۱۴۰۱ علی پاینده، کوهنورد و فعال سیاسی چپ درگذشت. زنده‌یاد پاینده در بین نیروها و کنشگران سیاسی دهه‌های ۴۰ تا ۶۰ خورشیدی، چهره‌ای شناخته شده و البته تا حدی متمایز از همگنان خویش بود؛ حافظه و اطلاعات گسترده و دقیق از پویش‌های این چند دهه، حضور مجدانه در فعالیت‌های سیاسی از دوران دانش‌آموزی و حفظ مشی نقادانه و عاری از جزم‌اندیشی نسبت به تمام گرایش‌های فکری و سیاسی از آن جمله است.

اما علی پاینده در همان حال که یک فعال سیاسی بود، کوهنوردی فعال و پرکار هم بود، و این کار را در گروه کاوه شروع کرده بود که وجهه‌ای متمایز از بسیاری گروه‌های کوهنوردی دیگر داشته و دارد و با وجود کوتاهی عمر فعالیتش، تا همین امروز بسیاری دوست دارند خود را **کاوه‌ای** بدانند.

اما چرا گروه کاوه در تاریخ کوهنوردی و سیاسی ایران دارای چنان اهمیت زیادی است. در این مطلب که به یادبود نام **علی پاینده** نوشته می‌شود، با بررسی کوتاه فعالیت‌های این گروه با تکیه بر اندک اطلاعات مکتوب موجود و همچنین مصاحبه‌های اینجانب با چند تن از فعالین مهم گروه کاوه -از جمله علی پاینده- و چند نفر از کوهنوردان مهم و فعال آن دوران در خارج از این گروه، به جنبه‌های مهم و دوران‌ساز فعالیت‌های این گروه اشاره خواهیم کرد و خواهیم دید پایه‌گذاری و شروع فعالیت‌های آن، بی‌هدف و باری‌به‌هرجهت نبوده و استراتژی‌ها و خط‌مشی حاکم بر این گروه چگونه هم در فعالیت‌های مهم سیاسی و هم کارهای مهم کوهنوردی بعد از آن ریشه می‌دواند. در این بررسی به انتخاب نام و طراحی لوگوی این گروه هم می‌پردازیم و خواهیم دید که تمایز و تشخیص گروه کاوه از کجا نشأت می‌گیرد و چگونه می‌توان رد ایده‌های پشت تشکیل این گروه را در اهداف و عمل‌گرایی جنبش چریکی و ساختار تشکیلاتی آنها جستجو کرد.

## پایه‌گذاری گروه کاوه

گروه کاوه در سال ۱۳۳۷ و ده سال پس از تأسیس فدراسیون کوهنوردی در ایران شکل می‌گیرد. در نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۳۰ شاهد رشد چشمگیر سازمان‌های کوهنوردی

هستیم. در حالی که در دهه‌ی ۲۰ به‌سختی می‌توان چند سازمان کوه‌نوردی منسجم سراغ گرفت و بیشتر فعالیت‌های کوه‌نوردی به صورت محفلی و در جمع‌های دوستانه انجام می‌شده و نیمه‌ی ابتدایی دهه‌ی ۳۰، احتمالاً تحت تأثیر کودتا دوران خمودگی کوه‌نوردی است، اما تا نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۳۰، سازمان‌های کوه‌نوردی مهمی همچون تهران، پیکار، تنسینگ-هیلاری، بیستون، جاوید و ... شکل می‌گیرند و وقتی به اواخر این دهه می‌رسیم ایده‌ی بلندپروازانه‌ی تشکیل کانون کوه‌نوردان تهران از سال ۳۷ بین چهار گروه بسیار مهم کوه‌نوردی آن زمان تکوین و تحقق می‌یابد. در چنین فضایی است که کاوه‌ای‌ها که تقریباً همه‌ی اعضای مؤسس آن در هنرستان صنعتی درس می‌خواندند و در همان جا هم فعالیت کوه‌نوردی داشتند، گروهی را پایه‌گذاری می‌کنند که نام **کاوه** را بر آن می‌گذارند و علی‌پاینده به فاصله‌ی کمی از زمان تأسیس به این گروه می‌پیوندند و همه‌ی فعالیت کوه‌نوردی خود را در همین گروه به پیش می‌برد. گروه کاوه از آغاز فعالیت تا پایان آن -که تاریخ چندان مشخصی نمی‌توان برای آن سراغ گرفت (اما اگر تلاش‌های بی‌ثمری که بعد از انقلاب برای راه‌اندازی دوباره آن انجام می‌شود را کنار بگذاریم، می‌توان نیمه‌ی دهه‌ی پنجاه را پایان کار آن دانست) ساختار شکنی‌های واضح و عینی انجام می‌دهند؛ از انتخاب نام و طراحی آرم تا اجرای برنامه‌های منطقه‌شناسی و تهیه‌ی کרוکی‌های دقیق به‌خصوص در البرز مرکزی به محوریت سعید (مشعوف) کلانتری، از کوچک نگه داشتن آگاهانه‌ی گروه تا ایده‌پردازی برای تشکیل گروه‌های کوه‌نوردی دانشجویی در چندین دانشگاه مهم تهران در همان مدت کوتاه عمر خویش.

## نام - گروه کوه‌نوردی و اسکی کاوه

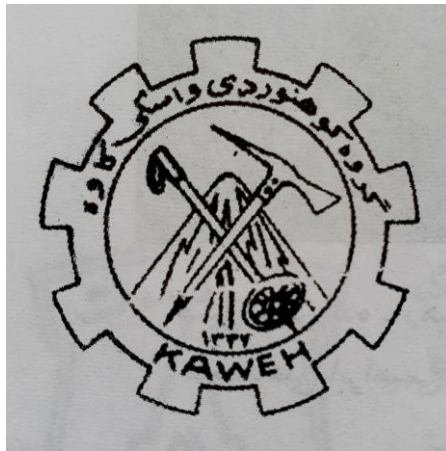
در نام گروه که از چهار کلمه تشکیل شده، نکاتی نهفته است که بیانگر شیوه‌ی نگاه هیأت مؤسس و اهداف‌شان است. از این چهار کلمه دوتای وسطی در مشابهت با نام دیگر گروه‌ها و سازمان‌های کوه‌نوردی است و دوتای اول و آخر واجد معنایی ویژه و برداشتی خاص از شرایط و اهداف و مختص به خود آنها است.

تا پیش از تأسیس گروه کوهنوردی کاوه، همه‌ی تشکل‌های کوهنوردی، نه به نام گروه که با کلماتی همچون باشگاه، هیأت و به‌خصوص سازمان نام‌گذاری می‌شدند. تنها استثنا در این میان گروهی به نام «گروه کوهنوردان آزاد» است که در سال ۱۳۲۷ توسط کوهنوردان پرسابقه و فعالی همچون محمود اجل، غلامحسین بالکانی، محمدرضا قدیری‌نیا و دیگران تأسیس شده بود که بیشتر اسمی بر محفلی دوستانه از کوهنوردان مهم دهه‌ی ۲۰ بود. اما اهمیت و تمایز گروه در چیست؟ سازمان، باشگاه یا هیأت بیانگر وابستگی آن شکل از کوهنوردی به نهادی بزرگ‌تر است. در واقع چنان که رسم آن زمانه و اجبار فدراسیون کوهنوردی تا همین دوران بوده است، هر فعالیت منسجم کوهنوردی می‌باید در قالب یکی از باشگاه‌ها و نهادهای عام‌تر ورزشی و یا ادارات و مؤسسات دولتی و حاکمیتی تشکل می‌یافت. از همین روست که مثلاً نیرو و راستی - باشگاه دماوند آینده - زیر چتر باشگاه پیکار، سازمان کوهنوردی تهران متعلق به باشگاه تهران و سازمان بیستون متعلق به باشگاه شعاع بوده است. مؤسسان گروه کاوه نه‌تنها تشکلی مستقل از باشگاه‌ها تأسیس کردند که نام خود را نیز **گروه** گذاشتند که تا آن زمان در میان سازمان‌های کوهنوردی بی‌سابقه بود. شیوه‌ای جدید از سازمان‌دهی جمعی کوهنوردی که نشان از پویایی، تحرک و همبستگی بالا و درونی داشت که لازمه‌ی انجام فعالیت‌های خرق‌عادت‌گونه و مهم آنها بود و لاجرم نمی‌توانست در ساختارهای تشکیلاتی موجود که مورد نقد تیز این جوانان بود انجام شود.

جزء دیگر نام این گروه که منحصر به فردشان می‌کند **کاوه** است. کاوه در زمانه‌ی سیاهی و خفقان ضحاک سر به اعتراض گذاشت و پرچم شورش برافراشت و چنان کرد که می‌دانیم. کاوه در ذهن ایرانی به نماد اعتراض و سرکشی علیه ظلم تبدیل شده است. یاران کوهنورد عیان‌تر از این نمی‌توانستند تمایز خود را در جامعه‌ی کوهنوردی آن زمان با دیگر گروه‌ها و تشکل‌ها بیان کنند و جای هیچ پرده‌پوشی و تفسیری را باز نگذاشتند. با بررسی نام ۱۱ سازمان کوهنوردی مهم که تا آن زمان در تهران تشکیل شده بود، می‌بینیم کلمه‌ای غیر مرتبط با کوه و طبیعت در آنها وجود ندارد. در حالی که نام کاوه خارج از حوزه‌ی کوهنوردی یا طبیعت و مسایل مربوط به آن است. کوه برای آنها نه هدفی در غایت منحصربه‌خود - همچون بخش عمده‌ی کوهنوردان و

سازمان‌های کوه‌نوردی که به صورت حرفه‌ای و با نگاهی کاملاً متمرکز بر صعود به قله فعالیت می‌کردند و سعی در دوری از مسایل سیاسی داشتند و خود را محصور در فعالیت کوه‌نوردی با غایتی در خود نگاه می‌داشتند- که هدفی در میان و کنار اهداف دیگر و جزئی از ابزارهای مبارزاتی آنها را تشکیل می‌داد. این‌جاست که تفاوت ظریف آنها با کوه‌نوردان تشکیلاتی و سندیکالیستی چپ هم شکل می‌گیرد و عیان می‌شود. برای کوه‌نوردانی که سابقه‌ی فعالیت در تشکیلات حزب توده را داشتند و همچنان هم به آن سرسپرده بودند، کوه و کوه‌نوردی در گفتمان وظیفه و پیشه‌ی تشکیلاتی می‌گنجید، و البته که آنها طبیعتاً هویت سیاسی خود را خارج از این حوزه تعریف می‌کردند. اما کاوه‌ای‌ها که از بی‌عملی و منتظر پیمانه‌نگان نشستن خسته شده بودند و خواهان کنشی فعال، جسورانه و همه‌جانبه بودند نام کاوه را به‌عنوان کسی که بی‌عملی برابر ضحاک را بر نمی‌تابد و سر به اعتراض بر می‌دارد و تحرک را به جامعه بازمی‌گرداند بر خود می‌گذارند و می‌دانیم که حتی نپیوستن آنها به کانون کوه‌نوردان تهران با مشخصات پیش‌گفته باعث دلخوری هم شده بود.

## آرم



در آرم گروه نیز غیر از اجزای آشنا و معمول گروه‌های کوه‌نوردی در آن زمان، جزئی به چشم می‌خورد که به کلی تازگی دارد و همچون اسم‌شان، با فضای آن زمان

نامأنوس و نامرتبط به نظر می‌آید: چرخ‌دنده. و این چیزی است که چند سال بعد در لوگوی سندیکای فلزکار مکانیک که برای سالیان طولانی همراه و همگام کوه‌نوردان گروه کاوه بودند نیز وجود دارد. نخستین علتی که می‌توان برای وجود این الهام در لوگوی گروه گفت برآمدن همه‌ی مؤسسان آن از هنرستان صنعتی است. اما کافی به نظر نمی‌رسد و گرنه به همین دلیل می‌توانستند اسم‌شان را نیز مرتبط با همین پیشینه انتخاب کنند. چرخ‌دنده نشان صنعت است، می‌تواند نشان طبقه‌ی کارگر و صنعتگر باشد که لاجرم تقابل آن را با تاجر و سوداگر به ذهن متبادر می‌سازد. این‌ها همه هست، اما این کافی نیست؛ چرا یک گروه کوه‌نوردی باید مستقیماً و اختصاصاً درباره‌ی پرولتاریا شعار دهد وقتی که حتی حاضر نشده است اسمش را مستقیماً به آنها مرتبط سازد. این تشبیه قابل فهم و پذیرش نیست. آنها وقتی صحبت از کاوه می‌کنند، دارند دلخوری‌شان را از بی‌عملی بیان می‌سازند، آنها از سکوت و یأس و ثئوری‌بافی خسته شده‌اند و می‌خواهند دست به عمل بزنند. چرخ‌دنده وقتی به حرکت درآید، دستگاه و ماشین به کار می‌افتد. آنها خود را حلقه‌ی اول - موتور کوچک - می‌دانستند که وظیفه‌شان به حرکت درآوردن دیگر چرخ‌ها و در نهایت ماشین جامعه است.

## فعالیت‌های گروه

**سعید کلانتری** به‌عنوان یکی از مؤسسان و شاید فعال‌ترین کوه‌نورد این گروه و نفر دوم کوه‌نورد سال ایران در سال ۱۳۴۳ یکی از پیشگامان منطقه‌نوردی در کوه‌های ایران بود. او و دیگر اعضای گروه کاوه کوه‌های البرز را در برنامه‌هایی بسیار طولانی - که در برخی موارد برای اولین بار رخ می‌داد - صعود می‌کردند. اما این صعودها، غیر از اهمیت نخستین داشتن و حتی تعیین نام برخی قله‌ها برای نخستین بار توسط اعضای گروه، هدفی بلندپروازانه داشت و آن چیزی نبود مگر شناسایی مسیرها و تهیه‌ی کروکی‌هایی دقیق که احتمالاً بخش زیادی از کوه‌نوردان آن دوران تصدیق خواهند کرد که همین امر گروه کاوه را به مرجع مهمی برای تهیه‌ی اطلاعات و نقشه‌های دقیق صعود برای دیگر کوه‌نوردان تبدیل کرده بود. این اتفاق برای آن‌هایی که با تاریخ جنبش چپ مأنوس هستند طنینی آشنا دارد و آن چیزی نیست مگر نخستین و معروف‌ترین



## تشکیل هسته‌های مستقل فعال

یکی دیگر از تأثیرات پردوام گروه کاوه، ایده‌ی تشکیل هسته‌های کوچک مستقل کوه‌نوردی بود؛ دیدگاهی که در تمایزی آشکار با ایده‌ی بلندپروازانه‌ی تشکیل کانون کوه‌نوردان تهران برای به زیر چتر خود درآوردن همه‌ی گروه‌های کوه‌نوردی فعال در تهران و طبیعتاً تشکیل فدراسیونی بزرگ بود که تطابقی آشکار با ایده‌های تشکیلاتی حزب توده داشته است. گروه کاوه بنا بر اسناد موجود و گفته‌های اعضای اصلی آن در مصاحبه‌های انجام شده با آن‌ها توسط بنده، نه تنها هیچ‌گاه از ۳۰ نفر عضو بیشتر نشده است که -عامدانه و آگاهانه- قصد انجام آن را هم نداشته است. اما همین گروه، عامل تشکیل حداقل دو گروه مهم کوه‌نوردی دانشجویی در تهران بود. اولی توسط احمد صابری که عضو گروه کاوه بود و با راه‌یابی به دانشگاه صنعتی (آریامهر/شریف) در نخستین سال تأسیس دانشگاه ایده‌ی تشکیل گروه کاوه را به چند تن از دوستان هم دانشکده‌ای‌اش -رضا صابری و حسن مرتضوی- تزریق می‌کند و همراه با آنها به فاصله‌ی کمی پس از تأسیس دانشگاه، گروه کاوه دانشگاه صنعتی را به‌عنوان نخستین گروه دانشجویی آن دانشگاه بنا می‌نهند. جالب آن‌که این گروه هم هیچ‌گاه چه پیش و چه پس از انقلاب حاضر نمی‌شود زیر نظر تربیت بدنی دانشگاه -همچون همه‌ی گروه‌های کوه‌نوردی دانشجویی- به فعالیت بپردازد. دومی هم رضا سلیمانی است که بانی راه‌اندازی گروه کاوه دانشکده‌ی پزشکی دانشگاه تهران می‌شود. از آن جایی که چند تن از مؤسسان گروه، دوران دانشجویی خود را در هنرسرای عالی، که بعدها به دانشگاه علم و صنعت تغییر نام داد، گذراندند و چندتن از نسل دوم گروه همچون آقایان ملک محمدی، حاج محسن و ... هم در همان دانشگاه تحصیل می‌کردند تأثیر این گروه بر فعالیت‌های کوه‌نوردی آن دانشگاه کم نبوده است. توجه داریم که کوه‌نوردی دانشجویی در دهه‌های ۴۰ و ۵۰، هم در فعالیت‌های کوه‌نوردی خود مسیری متمایز از بدنه‌ی رسمی کوه‌نوردی طی می‌کرد و هم مکانی مهم در جذب و تقویت جنبش چریکی دهه‌ی ۵۰ ایفا کرد.



## توسعه‌ی زیرساخت‌های کوه‌نوردی

یکی از فعالیت‌های مهم اعضای گروه کاوه ساخت نخستین پناهگاه قله‌ی دماوند، در سال ۱۳۴۶ در جبهه‌ی جنوبی (بارگاه سوم) است که نخستین پناهگاه در ارتفاعات بلند کوه‌های ایران بوده و طراحی آن به صورت پیش‌ساخته و ساخت قطعات آن در تهران، همگی برآمده از دانش و فن اعضای گروه کاوه به‌عنوان دانش‌آموزان هنرستان صنعتی بوده است.

اما ساخت این پناهگاه در ارتفاع ۴۱۰۰ متری، برپایه‌ی تجربه‌ی اعضای گروه کاوه در ساخت پاسگاه‌های امدادی در کوهستان شمال تهران در سال ۱۳۴۱ به تعداد ۴ واحد رخ می‌داد که اقدامی مهم برای ایجاد پایگاه‌هایی برای انجام عملیات امداد و نجات در مناطق شلوغ کوهستانی تهران بود که تا امروز هم نیاز آن ادامه دارد.

سومین اقدام از چنین نوعی در سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۲ بود که به علت فوت یکی از اعضای گروه کاوه در برنامه‌ی دیواره‌نوردی این گروه رخ داده بود. پناهگاه شروین در پای دیواره‌ی شروین به دست اعضای گروه کاوه و با همراهی کوه‌نوردان دانشگاه‌های پیش‌گفته انجام شد.

تکه‌ای از یادداشت کریم تاجدار از مؤسسین گروه کاوه و فعال در ساخت این پناهگاه را در اینجا می‌آورم تا متوجه ارتباط ارگانیک بین این گروه و گروه‌های کوه‌نوردی دانشجویی بشویم:

«... با نصب اعلان نیاز به نیروهای همراه در ساخت جان‌پناه در اتاق‌های کوه دانشکده فنی دانشگاه تهران و دانشگاه علم و صنعت، سختی کار به‌سرعت برطرف شد و در روزهای آخر هفته دانشجویان کوه‌نورد به صورت گروهی در محل جان‌پناه حضور یافتند. دانشجویان کوه‌نورد دانشگاه صنعتی (آریامهر-شریف) و دیگر کوه‌نوردان نیز در هفته‌های بعد به جمع یاری رساندند به نوعی که بیشترین جمعیتی که در یک روز آذرماه آن سال جهت همکاری حضور یافتند بالغ بر ۲۵۰ نفر بود.»

اگر بر راه مبالغه و اغراق نرفته باشیم، ساخت پاسگاه‌های امدادی کوهستان شمال تهران، ساخت بارگاه سوم دماوند و ساخت پناهگاه شروین به‌وضوح منجر به ایجاد روندی در پناهگاه‌سازی در کوه‌های ایران شد که ادامه‌ی آن را می‌توان در ساخت پناهگاه شمال شرقی دماوند در سال ۱۳۵۳ دید که با محوریت گروه کوه دانشکده‌ی

علی پاینده و گروه کوهنوردی کاوه

فنی و به علت فوت یکی از کوهنوردان این دانشکده انجام شد و همچنین کمی بعدتر ساخت ده‌ها جان‌پناه فلزی در اقصی نقاط کوه‌های ایران که مشابهت‌هایی با بارگاه سوم داشت.

ایده‌ی کلان پشت همه‌ی این فعالیت‌ها مشابهت بسیاری با ایده‌ی چرخ کوچک و چرخ بزرگ در جنبش چریکی دارد و گروه کاوه نقش فعال‌ساز خود را به‌خوبی و با آگاهی روشن، از زمان تأسیس خود به انجام رساند.

\*\*\*

این مطلب، مقدمه‌ی طرحی است برای تدوین تاریخ فعالیت‌های گروه کاوه و علاوه بر استفاده از منابع مکتوب موجود حاصل بیش از چهار جلسه مصاحبه‌ی مفصل با علی پاینده، ابراهیم تیا و قربانعلی سیفی (اوستا علی) و همچنین محمدحسین خوان یغما، مرتضی افشاری، حسین رضایی و داوود محمدی فر است.